

هند و - اروپائیان

نقش اسب و چرخ در گسترش زبانهای هندو-اروپائی

دیوید. دای. آسونی

ترجمه خشایار بهارء



سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

آنتونی، دیوید دبلیو. Anthony, David W

هندو-اروپائیان: نقش اسب و چرخ در گسترش زبانهای هندو-اروپائی / دیوید. دبلیو.

آنتونی؛ ترجمه خشایار بهاری.

تهران: نشر فرزانه روز، ۱۳۹۵.

۵۳۰ ص: مصور، جدول، نمودار.

۷-۴۳۵-۳۲۱-۹۶۴-۹۷۸

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

وضعیت فهرست نویسی

فیا

نمایه.

یادداشت

یادداشت

عنوان اصلی: The horse, the wheel, and language: how bronze-age riders from the Eurasian steppes shaped the modern world, c2007

the Eurasian steppes shaped the modern world, c2007

زبان هند و اروپایی نخستین.

Proto- Indo - European language

عصر مفرغ -- اوراسیا

Bronze age -- Eurasia

اسب ها -- اوراسیا -- تاریخ

Horses--Eurasia-- History

حیوانات و تمدن -- اوراسیا -- تاریخ

Animals and civilization -- Eurasia -- History

بهاری، خشایار، ۱۳۴۰، مترجم

ن. ۹۱۱، ۷۲/۱ P

۴۱۰

۲۲۷۷۲۱۲

شناسه افزوده

رده بندی کنگره

رده بندی دیویی

شماره کتابشناسی ملی



هند و اروپائیان

نقش اسب و چرخ در گسترش زبانهای هند-اروپائی

دیوید. دبلیو. آنتونی

ترجمه خشایار بهاری

چاپ اول: ۱۳۹۵

تیراژ: ۱۶۵۰ نسخه؛ قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

ناظر چاپ: مجتبی مقدم؛ طراح جلد: عبدالرضا بیابان

حروف نگاری: شبستری؛ لیتوگرافی: لاله

چاپ و صحافی: تاجیک

حق چاپ و نشر محفوظ است.

میدان ونک، خیابان گاندی شمالی، پلاک ۹، واحد ۱۰

تلفکس: ۸۸۸۱۲۲۴۷ - ۸۸۸۷۲۴۹۹۹ - ۸۸۶۷۹۴۴۳

صندوق پستی: ۱۹۶۱۵/۵۷۶

ISBN:978-964-321-435-7

شابک: ۷-۴۳۵-۳۲۱-۹۶۴-۹۷۸

فهرست

مقدمه مترجم	هفت
فصل اول: زبان مادری	۱
فصل دوم: چگونگی نه می‌توان یک زبان مُرده را بازسازی کرد	۲۱
فصل سوم: زبان و زمان؛ بخش اول: آخرین گویشوران زبان هندو-اروپایی آغازین	۴۳
فصل چهارم: زبان و زمان ۲؛ پشم، چرخ، و هندو-اروپایی آغازین	۶۷
فصل پنجم: زبان و مکان؛ زبان سرزمین مادری هندو-اروپایی آغازین	۹۵
فصل ششم: باستان‌شناسی زبان	۱۱۷
فصل هفتم: چگونه می‌توان یک فرهنگ مُرده را بازسازی کرد	۱۳۳
فصل هشتم: نخستین کشاورزان و دامداران: دوره نوسنگی در [استپهای پونتیک-کاسپین]	۱۴۳
فصل نهم: گاو، مس، و «سران» (chiefs)	۱۶۷
فصل دهم: اهلی کردن اسب و ریشه‌های سوارکاری	۱۹۳
فصل یازدهم: پایان «اروپای جدید» و ظهور استپ	۲۲۱
فصل دوازدهم: بذره‌های تغییر در مرز استپها: سالاران [فرهنگ آریایی]	۲۵۱
در روستاهای تریپولیه	۲۵۱
فصل سیزدهم: «گاری‌رانان» در استپ: گویشوران هندو-اروپایی آغازین	۲۸۹
فصل چهاردهم: زبانهای هندو-اروپایی غربی	۳۲۷
فصل پانزدهم: «رزمندگان» گردونه‌ران در استپهای شمالی	۳۵۵
فصل شانزدهم: گشوده شدن [راه] استپهای اوراسیا [به میانرودان، ایران و آسیای میانه]	۳۹۷
فصل هفدهم: زبان و کردار	۴۴۳
کتابشناسی:	۴۵۳
نمایه:	۴۹۷

مقدمه مترجم

مطالعه هر مقطع از تاریخ خواننده یا پژوهشگر را بی اختیار به گذشته‌های دورتر می‌برد. تاریخ ایران در چند شاخه، آخرین رگه‌های مستند خود منتهی می‌شود: از یک سو به دوره ماد و هخامنشی، از سوی دیگر به کن‌ترین متنهای ادبیات زردشتی، یعنی گاتهای زردشت، و همچنین به دیرین‌ترین روایات و سمونهای اسطوره‌ای، و از دیگر سو به یافته‌ها و کاوشهای باستان‌شناسی در کهن‌ترین مقاطع تاریخی.

به رغم برخی همپوشانیهای اجتناب‌ناپذیر (یا ان‌سوی دیگر غیرقطعی) این چهار شاخه در مقاطع متأخر تاریخی، با گذر به مقاطع مقدم، خود را با واگراییهایی گریزناپذیر مواجه می‌یابیم؛ چراکه با کاهش هرچه بیشتر مستندات استنتاجات متکی بر اسلوب علمی نیز غیرقطعی‌تر و یا اصلاً ناممکن می‌گردد. برای مثال به دشت ری، می‌توان دیرینه اقوام پارس و ماد در اسناد آشوری سده نهم و هشتم پ.م. را به یافته‌های باستان‌شناسی دوره‌های نظیر در خاک ایران و یا به نوشتجات متأخر زردشتی و یا اساطیر ایرانی استناد: کاری که در دهه‌های گذشته به دفعات انجام، و نتایج بعضاً غیرقطعی مدتها بدیهی فرض می‌شد. در دو دهه اخیر که استنتاجات صرف مبنای علمی کمتری یافته و پژوهشها نیز بر اساس آرایش بر اسلوب علمی استوار گشته، بر شدت این واگراییها افزوده شده است. تنها چاره برای پیش رفتن بیشتر به گذشته، افزودن بر شمار این رشته‌های به ظاهر واگرا است: با چند رشته‌ای شدن بیش از پیش پژوهشها، و با بکارگیری امکانات بالقوه بسیار فراگیر، و همچنین با بهره‌گیری هرچه بیشتر از یافته‌های رشته‌های به ظاهر نامرتبط با تاریخ کهن ایران، ناگهان می‌توان در گذشته‌هایی به مراتب دورتر، نیرومندتر ظاهر شد و از قلمرو حدسیات صرف فاصله گرفت. کتاب حاضر مجموعه‌ای چشمگیر از یافته‌های بیست سال گذشته را در قالبی همگون گرد هم آورده است: ابتدا زبان‌شناسی تاریخی را بر فهرست آن رشته‌های بنیادین

چهارگانه می‌افزاید و در ادامه، به مدد یافته‌های باستان‌شناسی سرزمین‌هایی به مراتب گسترده‌تر از خاک کنونی ایران، حتی تا اروپای جنوب شرقی و استپ‌های اوراسیا در روسیه، و نیز آسیای میانه، به گونه‌ای نامنتظره دیرینه زبان و فرهنگ ایران و دیگر کشورهای هندو-اروپایی زبان را تا هزاره سوم و چهارم پ.م. به عقب می‌برد: مهاجرتهای اقوام آریایی که مدت بیش از یک قرن، در قالبی «تک‌رشته‌ای» و تقریباً به دور از روح علمی، و بیشتر بر مبنای حدسیات بعضاً غیرموجه، به عنوان مبنایی برای فرهنگ کشور عنوان می‌شد، دیگر مخاطبان خود را تنها در بین عوام می‌یابد و جایگاه علمی ندارد. اما با گستردن چارچوب پژوهش به انبوه فرهنگ‌های کوچگردی هزاره چهارمی رایج در استپ‌های روسیه و اوکراین، و با گنجاندن مدیده‌های بنیادینی چون ابداع چرخ و گردونه، پرورش رمه و گوسفند و اسب، که شکل‌گیری قشرهای متمایز اجتماعی و نیز آئین‌های دینی را در پی داشته، ناگهان شاهد جور شدن قطعات پراکنده رلی هستیم که نتیجه آن، فرآیند گسترش زبان‌های هندو-اروپایی، از هزاره سوم پ.م. تا زمان‌های گوناگون، از سرزمین مادری زبان «هندو-اروپایی آغازین» است. غلبه این زبان‌ها در بین بیش از نیمی از گویشوران کنونی جهان خاکی، نه حاصل یک برتری نژادی-اقلمی بوده، نه نتیجه برتری همان زبان اولیه؛ که برعکس، نتیجه «طبیعی» تأثیرگذار شدن پیشرفت‌های علمی ناشی از بکارگیری چرخ، ارابه، نشستن بر پشت اسب و گسترش نظام‌های گله‌داری و کشاورزی، و تأثیر همه این‌ها بر گسترش فناوری‌های ذوب فلز و تکوین فناوری ساخت جنگ‌افزار، و همچنین بُرد فزاینده تجارت بین‌الملل، و سرانجام، شکل‌گیری نظام‌های متکامل‌تر حکومت بوده است. مبنای همه این‌ها را می‌توان در چگونگی گسترش خانواده زبان‌های هندو-اروپایی جست‌وجو کرد؛ هرچند این هرگز بدان معنی نیست که همواره یک عامل منفرد، باعث و بانی تمامی تغییرات رخ داده بوده است: همواره عوامل «محلی» نیز به قدر کافی تأثیرگذار بوده‌اند و هیچگاه روند تکوین زبان‌ها و فرهنگ‌ها، به سان فرآیندهای علمی، قابل پیش‌بینی نبوده است؛ گرچه شکل بستر آن را علم تعیین می‌کند: زبان‌شناسی تاریخی از یک سو، و باستان‌شناسی از سوی دیگر.

خواننده از آغاز پی می‌برد که با یک تاریخ «روایی» از عهد پیش از تاریخ روبرو نیست؛ چرا که کمبود شواهد، ارائه چنین چیزی را ناممکن می‌کند. از سوی دیگر باید به مراتب بیش از تواریخ «روایی» دوره «تاریخی»، بر جغرافیای رودها، استپ‌ها، جنگل‌ها و کوه‌های منطقه بزرگی اشراف داشت که از کوه‌های آلتایی در شرق روسیه، تا کوه‌های اورال در امتداد «شمالی-جنوبی» شمال دریای خزر، تا «جنگل-استپ»‌های ولگا-دُن در شمال دریای خزر و شمال شرق دریای سیاه، و سرانجام تا پنج رود مهم دُن، دنیپر، دنیستر، دانوب و بوگ جنوبی

را می پوشاند.

اما شاهبیت محتوای کتاب برای خواننده فارسی زبان، فصول پانزدهم و شانزدهم آن است که پس از حدود چهارصد صفحه مطالب «مقدماتی» ظاهراً غامضی که شاید در نگاه نخست ارتباط مستقیم چندانی با فرهنگ و زبان ایران ندارد، بناگاه خود را با کشفیات شگفت انگیز بیست سال اخیر در محوطه باستان شناسی سیتاشتا در شمال آسیای میانه و در شرق کوههای اورال مواجه می یابیم که حوالی ۲۰۰۰ پ.م.، فرهنگی چشمگیر و فراگیر در آن شکل گرفته، و در سده های بعد، عناصر فرهنگ مزبور ابتدا به آسیای میانه، و سپس به افغانستان، هند و ایران «منتقل» شده است. دیگر سخن از آن مهاجرتهای تمام عیاری نیست که به جابجایی کامل اقوام ربابی یا هندو-اروپایی با بومیان ایران و هند و اروپا انجامیده است؛ بلکه به جای آن، مهاجرتهایی با تأثیر کمتر، مرحله ای و با تواتر بیشتر در کار بوده که تلفیق و تأثیرپذیری متقابل فرهنگها و زبانها در پی داشته است. دیگر برای یک فارسی زبان مایه شگفتی نخواهد بود که چرا در داتاری زرشک، «گاو» این همه محترم شمرده شده، و یا چرا نامهای فردی دربردارنده جزء «اسب» این اندازه زیاد ظاهر می شوند. دلیل آن واضح است: در آن جوامع هندو-اروپایی آغازین ساکن در استپهای اوراسیا، اهلی کردن رمه و گوسفند رخدادی بسیار مهم، و سرمنشاء تحولات بسیاری بوده است که شکل گیری قشرهای اجتماعی و درآمدزایی را در پی داشته است. از اینجا بسیار مهم کتاب در فصول پایان آن، یکی آن است زبانهای ایرانی کهن پیش از زبانهای هندو-ایرانی از شاخه زبان «هندو-ایرانی» منشعب شده اند و این انشعاب در شمال آسیای میانه رخ داده است. منطقه ای که در این فرآیند نقش واسطه را ایفا می کرده، به منطقه باستان شناسی «مرگیانه-بانت» در آسیای میانه معروف شده است که در ریگ و دای هندوها، به جنگهای هندیهای کهن با داکرها، یعنی بومیان آن سرزمین اشاره شده است. اوستا و ریگ و دای نقشی تعیین کننده در پی بردن به روند تحول زبانهای هندو-اروپایی ایفا کرده اند. نتیجه کلی آن که عناصری چون اسب، خر، گردونه و اهلی کردن جانوران، می توانند فرآیند گسترش زبان را در پی داشته باشند، آن هم بدون آن که دارندگان اولیه آنها الزاماً تمام و کمال به سرزمینهای مقصد مهاجرت کرده باشند. فرضاً پدیده ای چون تجارت یا انتقال فناوری می تواند در گسترش زبان مؤثر افتد و ابتدا گروه واژگان خاصی را به فراسوی مرزهای آغازین زبانی بسط دهد. درست به همان گونه که در دنیای امروز، شاهد گسترش جهانی زبان انگلیسی، در نتیجه فرآیند جهانی شدن متأثر از فراگیر شدن اینترنت و اقتصاد آزاد هستیم.